

با نگاه مثبت

عباس عبدي

اولین گفت‌وگوی رسانه‌ای آقای ریسی به عنوان فرد پیروز انتخابات 28 خرداد انجام شد. به گمان بنده باید از پیشداوری‌های بیهوده پرهیز کرد و نگاه و ارزیابی مثبتی به آن داشت. منظور از نگاه مثبت نسبی است! به عبارت دیگر آنان که کودکانه و بدون تامل و برای تهییج احساسات شعارهای غیرواقعی و ترس‌آوری را دادند تا بلکه مردم را از ترس این نتیجه محتوم به پای صندوق بکشند، اقدام اشتباهی انجام دادند.

اصولا در ایران بخش قابل‌توجهی از سیاست‌های جاری مستقل از این است که چه کسی در پاستور حضور دارد و یکی از اعتراضات منتقدان نیز همین بوده است، پس چگونه انتظار داریم که با آمدن يك نفر و رفتن دیگری تغییرات بنیادی رخ دهد؟ حداقل اینکه زمان برای گمانه‌زنی منفی وجود دارد. نیازی به این رفتارها نیست. می‌توانیم با نگاه مثبت وارد شویم.

حضور آقای ریسی در پاستور حداقل يك اثر مهم و مثبت دارد. همان اثری که بخشی از مردم به دلیل آن به وی رای دادند و بسیاری نیز به همین علت حاضر نشدند به رقباي او رای دهند و در انتخابات شرکت نکردند. آن دلیل نیز برجیده شدن تنش میان اجزای حکومت ایران است.

بنده تردید ندارم که بخش قابل‌ملاحظه‌ای از ناکارآمدی دستگاه اجرایی دولت در ایران، ناشی از شدت تنش میان اجزای آن بود. واقعیت این است که در جامعه ایران و در تاسیس نهادهای مدرن سیاست، به صورت ناقص الگوبرداری می‌کنیم. هنگامی که از سه قوه قضاییه، مقننه و مجریه حرف می‌زنیم، بدان معنا است که این سه قوه در عین حال که استقلال دارند، در اصل مکمل یکدیگرند و وظایفی دقیق را انجام می‌دهند که به افزایش کارایی هرکدام و مجموعه ساختار سیاسی منجر می‌شود و این مساله الزامات خاص خود را دارد. همچون وجود نهادهای قدرتمند حزبی، آزادی رسانه‌ها، قدرتمندی نهادهای مدنی و... ولی در ایران ماجرا برعکس می‌شود و این سه نهاد کارکرد حزبی و جناحی پیدا می‌کنند و به جای انجام وظایف خود مشغول رقابت و حتی ستیز می‌شوند، چون نهادهای دیگری که باید وظیفه و کارکرد رقابت را انجام دهند

وجود ندارند؛ لذا وضع ایران مثل خودرویی است که یک نفر با حداکثر توان پایش را روی گاز گذاشته و چرخ‌ها با سرعت زیاد می‌چرخند، در حالی که در زمین نامناسب که امکان حرکت ندارد، قرار دارد.

در نتیجه از یکسو هم انرژی مصرف می‌شود و از سوی دیگر هیچ پیشرفتی وجود ندارد و موتور داغ می‌کند و لاستیک‌ها ساییده می‌شوند و خلاصه خودرو بکسوات می‌کند. با آمدن آقای ریسی این مانع حداقل در کوتاه‌مدت برداشته می‌شود. هرچند معتقدم که شکاف‌های درونی این ساختار وضعیت جامعه ایران به گونه‌ای نیست که وحدت پایدار و بلندمدتی را فراهم کند ولی در هر حال رخ دادن این هماهنگی حتی در کوتاه‌مدت نیز مفید است.

علت دیگری که می‌تواند بر بهبود این وضعیت موثر باشد، متناسب شدن قدرت و مسوولیت است. بخشی از همان علت پیش‌گفته ناشی از عدم تناسب میان قدرت و مسوولیت بود. این ویژگی عوارض فراوانی دارد. قدرت تایید و رد FATF یا برجام در جایی بود که مسوولیت تبعات اعمال آن قدرت را نمی‌پذیرفت ولی اکنون ماجرا فرق خواهد کرد. قضیه ساده است. به یک نمونه بسنده می‌کنیم.

کنفدراسیون فوتبال آسیا نه تنها میزبانی مسابقات را به ایران نمی‌دهد، بلکه جوایز تیم‌های ایرانی را هم پرداخت نمی‌کند. هیچ‌کدام از این دو اقدام ناشی از خباثت این نهاد نیست، بلکه ناشی از وضعیت تحریم ایران است. این یک نمونه کوچک است.

حالا آقای ریسی از سرمایه‌گذاران دعوت به حضور در ایران می‌کنند، انتقال پول و کالا و صادرات آن را چه خواهد کرد؟ مثل این است که ما کسی را به منزل خود دعوت کنیم ولی درها بسته و قفل باشند، خب! او از کجا وارد شود؟

نکته سوم که جای امیدواری است، ضرورت مقایسه نکردن دوره جدید اصولگرایان با دوره سیاه احمدی‌نژاد است. به چند دلیل نباید گمان کرد که آن اتفاقات تکرار خواهد شد. هر چند همیشه باید نگران بود. دلیل اول، فقدان درآمدهای افسانه‌ای نفت است.

به قول معروف؛ آن سبو بشکست و آن پیمان ریخت. دیگر از پول‌های مفت نفت خبری نیست، باید از ماده خاکستری مغزها کار کشید. در آن دوره مغزهای گنجشک هم می‌توانست با پول نفت افسانه‌ای امور را بگذرانند. الان بدون اتکا به مغزهای متعارف، نمی‌توان از پس هیچ امری برآمد و این جای امیدواری است. علت دوم نیز تجربه فاجعه‌بار آن دوره است که پیش چشم حکومت است. علت سوم نیز تغییر شدید شرایط داخلی، رسانه‌ای، بین‌المللی و نسلی است. فراموش نکنیم که

احمدی نژاد وقتی دولت خاتمی را تحویل گرفت، همه شاخصهای مثبت و خوب بود، البته روزی که رفت دیدیم چه تحویل داد، حالا ریسی دولتی را تحویل میگیرد که همه میدانیم چه وضعی دارد. امیدوارم در این باره بیشتر بنویسم.

شماره: ۱۴۰۰ ۲۰۰۰ ۰۰۰۰۰۰۰۰